

عق

نخستین عق سادر آورد و افسانه آنراست
چو رقص آباران لایم در شب تهاب
دعوی در برش زبا و اندکین
چو مینگش با آنراست

تو را والا سرتن افسانه
که من باران کنی مانع حوائی را
و با باد در ضامنت
کنی شب که سحر را چه اعانه
فرودان مانس حاد مدان
که من تو زندگی ما رو عم آنی است

× × ×

۱۲۴۲